

اصلاحات ارضی، لایحه از زمانهای بسیار قدیم مالکیت‌های بزرگ در ایران برقرار بود و بیش از نیمی از اراضی مزروع متعلق به مالکانی بود که اغلب آنان معمولاً در در املاک خود به سر نمی‌بردند. در نتیجه توجهی به آبادانی این املاک و بهبود وضع آنها نمی‌شد. به این ترتیب کارهای این قبیل املاک به دست مباشرانی اداره می‌شد که هدفی جز بهره‌برداری شخصی از زمین و رعایا نداشتند.

برای تعدیل وضع مالکیت‌های بزرگ و تبدیل کشاورزان به خرده‌مالکان، نخستین بار در سال ۱۳۲۹ فرمانی از طرف شاهنشاه آریامهر برای تقسیم بیش از دو هزار قریه و آبادی املاک سلطنتی صادر شد.

تا اواسط سال ۱۳۳۷ که کار اجرای این برنامه به پایان رسید، بیش از ۲۰۰'۵۰۰ هکتار زمین مزروعی میان ۲۵'۰۰۰ کشاورز تقسیم شد. برای این کشاورزان بانکی به نام «بانک عمران و تعاون روستایی» تأسیس شد تا برای تهیه ماشین‌های کشاورزی و حفر چاه‌های عمیق و غیره به آنان کمک کند. قانون تقسیم خالصجات دولتی، که در سال ۱۳۳۴ وضع شده بود، از سال ۱۳۳۷ عملاً به مورد اجرا درآمد.

با همه اینها هنوز املاک فراوانی در دست مالکان بزرگ بود که هیچ یک از آنان، جز دو سه تن، حاضر به تقسیم املاک خود میان کشاورزان نمی‌شد، و در نتیجه وضع ارباب و رعیتی هنوز در قسمت اعظم کشور باقی بود.

شاهنشاه آریامهر که ادامه این وضع را نامطلوب دیدند، از دولت خواستند که طرحی قانونی جهت اجرای برنامه اصلاحات ارضی و تقسیم املاک بزرگ مالکان تهیه و تقدیم مجلس کنند. این طرح در سال ۱۳۳۹ از تصویب مجلسین گذشت، اما به صورتی درآمد که هدف و منظور طرح اصلی را تأمین نمی‌کرد، و راه‌های گوناگون برای گریز مالکان از تقسیم املاک خود به وجود می‌آورد. بدین جهت در دیماه ۱۳۴۰ لایحه قانونی اصلاحی قانون اصلاحات ارضی به تصویب دولت رسید و به مورد اجرا درآمد.

بر اساس قانون، میزان مالکیت برای هر فرد در تمام

ایران به یک ده شش‌دانگ در مرحله اول محدود شد. در ضمن برای تکمیل این قانون، قانون متممی به نام «مواد الحاقی» در دیماه ۱۳۴۱ به تصویب رسید که بر اساس آن سازمان اصلاحات ارضی کل کشور آماده اجرای مرحله دوم قانون شد.

در بزرگترین جهش تاریخ ایران به نفع طبقه کشاورز، در ۶ بهمن ۱۳۴۱ این قانون ضمن لوایح ششگانه، از طریق اعلام قاطع اراده ملی به تصویب رسید. (رجوع شود به **لوايح ششگانه**.)

اصل سهیم کردن کارگران در منافع کارگاه‌های صنعتی و تولیدی چهارمین اصل انقلاب سفید، که از طرف شاهنشاه آریامهر به ملت ایران عرضه شد، لایحه سهیم شدن کارگران در منافع مؤسسات صنعتی و تولیدی است. با اعلام رأی ملی، این اصل به صورت لایحه قانونی در سراسر کشور به معرض اجرا گذاشته شد.

به موجب این لایحه قانونی، کارفرمایان کارگاه‌هایی که مشمول قانون کارند، موظف شده‌اند که به وسیله پیمان‌های دسته‌جمعی با نماینده کارگران کارگاه، یا با سندیکای حایز اکثریت کارگاه، کارگران را در منافع کارگاه سهیم سازند.

در خرداد ۱۳۴۲ قانونی به نام متمم قانون سهیم کردن کارگران در منافع مؤسسات صنعتی و تولیدی وضع شد و مواد قانون اصلی را تکمیل کرد.

آخرین آمارهای مربوط به انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی نشان می‌دهد که تا به امروز قریب ۹۰'۰۰۰ کارگر در بیش از ۱۰۰۰ کارگاه مختلف چنین پیمان‌هایی را منعقد ساخته‌اند. (رجوع شود به **لوايح ششگانه**.)

اعیاد مذهبی و ملی ایامی که در طی سال نزد ایرانیان به یاد حوادث تاریخی یا مطابق سنت‌های دیرین عید گرفته می‌شود متعدد است. در این روزها تعطیل عمومی است و مردم به سرور و شادمانی می‌گذرانند. بعضی از این اعیاد مذهبی «اسلامی» است و بعضی از دیگر ملل مسلمان در آنها شریکند، و بعضی «شیعی» است که مخصوص شیعیان

اثنی عشریه است. این اعیاد مذهبی بر حسب تاریخ هجری قمری، که مبنای سالشماری مذهبی است، تعیین می‌شود. اعیاد ملی خاص ساکنان کشور ایران است و اغلب از دوره‌های قدیم تاریخ باستانی باقی مانده است.

عده عیدها و جشنها معمولاً ۱۲ روز در سال است. به علاوه بعضی روزهای خاص ماتم و عزاداری مذهبی نیز نزد شیعیان متداول است که تعداد آنها ۶ روز است.

اعیاد اسلامی: (۱) عید فطر که برابر است با روز اول ماه شوال هر سال. در این روز مسلمانان جهان عید می‌گیرند و روزه را حرام می‌دانند. اعطای زکوة (فطریّه) در این روز از واجبات دینی است. (۲) عید اضحی یا عید قربان که برابر است با روز دهم ذی حجه هر سال. در این روز، که حاجیان در مکه مراسم قربانی به عمل می‌آورند و مناسک حج به پایان می‌رسد، مسلمانان عید می‌گیرند. در سایر بلاد اسلامی نیز این روز را مقدس می‌شمرند و حیوانی حلال گوشت مانند شتر یا گوسفند قربانی می‌کنند و گوشت آن را میان فقرا تقسیم می‌کنند؛ (۳) عید میلاد نبی که مطابق است با روز تولد حضرت محمد (ص) و نزد شیعیان روز هفدهم ربیع‌الاول هر سال است؛ (۴) روز مبعث که مطابق است با ۲۷ رجب هر سال. در چنین روزی برای اولین بار وحی آسمانی بر پیغمبر اسلام فرود آمد و شش آیه از اول سوره «اقراء» نازل شد، و در همان روز آن حضرت به رسالت مبعوث و از جانب خدا به هدایت و ارشاد مردم مأمور شد.

اعیاد شیعی: (۱) عید غدیر خم که مطابق است با روز هجدهم ذی حجه هر سال. در آن روز، بنا بر روایات معتبر، هنگامی که پیغمبر (ص) در سال ۱۰ هجری از مکه به مدینه باز می‌گشت، در کنار غدیری (غدیر به معنای برکه است) به نام «خم» با سپاهیان اسلام فرود آمد. در همان روز، پس از ایراد خطبه معروفی علی ابن ابیطالب داماد و پسر عم خود را بلند کرد و گفت «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» در حقیقت خلافت علی (ع) در آن روز محرز شد. از زمان سلاطین آل بویه این روز به علامت شادی از خلافت علی (ع) روز جشن شمرده می‌شود و در تمام بلاد شیعه‌نشین محترم و مقدس است؛ (۲) روز میلاد علی که مطابق است با

روز ۱۳ ماه رجب هر سال؛ (۳) میلاد صاحب‌الزمان که مطابق است با روز ۱۵ شعبان؛ میلاد حسین ابن علی که مطابق است با سوم ماه شعبان؛ و میلاد علی ابن موسی الرضا که مطابق با ۱۱ ذی‌قعدة هر سال است.

اعیاد ملی: (۱) نوروز جمشیدی که روایات ایرانی آن را به جمشید پادشاه افسانه‌ای پیشدادی نسبت می‌دهند. عیدی است کهن که همه‌ساله در روز اول فروردین ماه شمسی، هنگامی که خورشید به نقطه اعتدال ربیعی رسیده و از برج حوت به برج حمل در می‌آید و سال نو می‌شود، با تشریفات بسیار منعقد می‌کنند. این عید هنوز نزد زرتشتیان ایران و پارسیان هند نیز معمول است و غالباً تا روز سیزدهم فروردین این جشن ادامه دارد؛ (۲) جشن مهرگان که مطابق است با روز ۱۶ مهرماه شمسی و در حقیقت عید خزان است. این جشن مانند دیگر اعیاد پارسیان مدتها متروک بود، اما اکنون چند سالی است که مجدداً از طرف ایرانیان بدان ابراز علاقه می‌شود، و مخصوصاً وزارت آموزش و پرورش در آن روز مدارس را تعطیل می‌کند و توزیع دانشنامه‌ها و تصدیقها را طی جشن‌هایی انجام می‌دهد؛ (۳) عید مشروطیت پس از سقوط محمد علی شاه و استقرار حکومت مشروطه از سال ۱۳۲۸ هجری قمری، به احترام روز اعطای آزادی، این عید رعایت می‌شود. در ابتدا چند سالی روز ۲۴ جمادی‌الثانی را عید می‌گرفتند، اما از سال ۱۳۵۱ شمسی روز یادبود را روز ۱۴ مرداد قرار داده‌اند.

افشاریه سلسله افشاریه از سلسله پادشاهان ایران هستند که از ۱۱۴۸ تا حدود ۱۲۱۵ هجری قمری در ایران سلطنت کردند. چون مؤسس این سلسله نادر شاه به شعبه‌ای از طایفه افشار منسوب بود، سلسله اعقاب او را افشاریه نامیده‌اند. قلمرو وسیع مملکت نادر شاه پس از قتلش، به سبب بیلیاقتی اعقاب او، و نیز به علت ظهور مدعیان مختلف، تجزیه شد. علیقلی خان برادرزاده او، که به نام عادلشاه بعد از وی به سلطنت نشست، پس از کشتن پسران و نوادگان نادر، با مخالفت برادر خود ابراهیم خان افشار مواجه شد. عاقبت آن هر دو مدعی از دست امرای شاهرخ

افشار مغلوب و کشته شدند. اما با ظهور قدرت محمد حسن خان قاجار و کریم خان زند و آزادخان افغان و احمد شاه دُرّانی، حدود قلمرو شاهرخ افشار به همان ایالت خراسان محدود ماند، و حتی در قلمرو محدود خود هم چندان قدرت و حیثیت نداشت و امرا و فرزندانش بر کارها مستولی بودند. آقا محمد خان قاجار، پس از آنکه سلسله زندیه را برانداخت، خراسان را نیز تسخیر کرد و شاهرخ را با شکنجه بسیار به هلاکت رساند، و هرچند بعد از او، در اوایل عهد فتحعلی شاه قاجار، باز نادر میرزای افشار پسر شاهرخ دو بار در خراسان علم طغیان بر افراشت، این طغیانها که عاقبت به قتل او منتهی شد، نتوانست دولت افشاریه را احیا کند و آن سلسله به کلی از میان رفت. (رجوع شود به نادر شاه.)

دامنه‌های شمالی البرز و اراضی پست میان آنها و دریای خزر ولایات سابق گیلان و مازندران و استراباد را تشکیل می‌دهند و پوشیده از جنگلهای انبوهند، و صدها رود دائمی از آنها می‌گذرد. دامنه‌های داخلی و رشته‌هایی از البرز که در جنوب آپخشان خزر واقعند، و عموماً دومین قسمت از سه قسمت سلسله البرزند، از رطوبت بار آور دریا محرومند و رستنیهای طبیعی در آنها کم است. قله‌های بلند البرز بیشتر سال پوشیده از برفند. در ناحیه کوه‌های البرز آب فراوان است و دهکده‌های آباد با مزارع سبز و باغهای میوه و غلزارها در دره‌های آن هست. ظاهراً کوه‌های البرز منابع معدنی فراوان از قبیل زغال-سنگ و سرب و آهن دارد.

الغاء کاپیتولاسیون به موجب معاهده ترکمان چای که بین

دولتهای ایران و روسیه بسته شد (۵ شعبان ۱۲۴۳ هجری قمری = فوریه ۱۸۲۸)، حقی به نام «کاپیتولاسیون» به دولت روسیه داده شد. به موجب این حق کنسولها و نمایندگان دولت روسیه می‌توانستند اتباع ایران را هنگامی که با اتباع دولت آنان در طرفیت بودند، در برابر ادارات حکومتی و تشکیلات قضایی داخلی، با کمال استقلال محاکمه کنند. به حکم رعایت اصل «دول کامله الوداد» این حق برای سایر کشورها نیز بالطبع شناخته می‌شد، و در نتیجه همه کنسولها و نمایندگان خارجی در تمام سرزمین ایران از این حق استفاده می‌کردند. در دوره سلطنت رضا شاه کبیر، در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی این حق قضاوت کنسولها و مزایای اتباع خارجه در مملکت ایران لغو شد و طی یادداشتی به اطلاع دولتهای خارجی رسید.

الوند، کوه الوند یا الوندکوه رشته‌کوهی است در جنوب همدان که ارتفاعش به ۳۵۷۰ متر می‌رسد. دامنه‌های جنوبی آن پوشیده از درختهای گردو، توت، و میوه است. آب فراوان دارد. بسیاری از شعبه‌های سفیدرود، گاماسب، و قره‌چای از آن سرچشمه می‌گیرند. دو کتیبه از داریوش اول و خشیارشای اول در آن هست. نام آن اروند نیز آمده است.

البرز سلسله کوه البرز رشته پیوسته‌ای است که در ایران شمالی به طول بیش از هزار کیلومتر امتداد دارد. سلسله البرز را می‌توان به سه قسمت تقسیم کرد. قسمت اول که به جبال طالش موسوم است، به طول ۱۹۰ کیلومتر، تقریباً به موازات ساحل غربی دریای خزر کشیده شده و با کوه‌های قفقاز مرتبط است؛ قسمت دوم، به طول ۳۸۰ کیلومتر، از نقطه‌ای در غرب رشت آغاز می‌شود و تا قلّه دماوند به ارتفاع ۵۶۵۴ متر و پس از آن امتداد دارد. قسمت سوم به طول ۴۷۰ کیلومتر به سه رشته تقریباً موازی منقسم می‌شود که در بسیاری از جاها به وسیله رشته‌های فرعی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. بسیاری از قله‌های این قسمت البرز از ۳۳۵۰ تا ۳۹۶۰ متر ارتفاع دارند. مرتفعترین قله‌های البرز در ناحیه طالقان (شمال غرب تهران) و از آنجا به جانب شرق تا کوه دماوند و پس از آن واقع شده‌اند. قسمتی از البرز که بلافاصله در شمال تهران است به کوه شمیران موسوم است و دامنه‌های آن نقاط خوش آب و هوا و بیلاقیهای تهران را تشکیل می‌دهد. بلندترین قله در این ناحیه قلّه توجال به ارتفاع حدود ۴۰۰۰ متر است. رود هراز از دامنه شرقی کوه دماوند می‌گذرد. رشته اصلی سومین قسمت البرز تا نزدیک بجنورد در خراسان امتداد دارد و در آنجا به جبال آلاداغ متصل می‌شود.



میرزاتقی خان امیر کبیر

هلاک شد.

امیر کبیر دو بار ازدواج کرد. از زن اول خویش پسری داشت به نام میرزا احمدخان امیرزاده که بعدها به لقب ساعدالدوله ملقب شد. از زن دوم خود شاهزاده خانم عزة - الدوله، یگانه خواهر تنی ناصرالدین شاه، دو دختر داشت. این دو دختر پس از مرگ امیر کبیر نامزد دو پسر ناصرالدین شاه، مظفرالدین میرزا و ظل السلطان، شدند.

انقلاب سفید، کتاب کتاب انقلاب سفید عنوان کتابی است که به قلم شاهنشاه آریامهر در سال ۱۳۴۵ نوشته شده است. شاهنشاه آریامهر در این کتاب هدف انقلاب سفید ایران و لوايح ناشی از آن را که به معرض مراجعه به آراء عمومی گذاشته شد و مورد تصویب ملی قرار گرفت، مشروحاً بیان فرموده‌اند. (رجوع شود به اصلاحات ارضی، لایحه؛ اصل سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی؛ خانه‌های انصاف؛ سپاه بهداشت؛ سپاه ترویج و آبادانی؛ لوايح ششگانه.)

امیر ارسلان یا امیر ارسلان رومی یکی از معروفترین داستانهای عامیانه زبان فارسی داستان امیر ارسلان است، که شامل سرگذشت امیر ارسلان (پسر پادشاه روم) و عاشق شدن وی بر فرخ لقا از راه دیدن تصویر او، و مبارزات قهرمان داستان برای رسیدن به وصال معشوقه است. در این مبارزات افسانه‌ای امیر ارسلان با دیو و جن و اژدها می‌جنگد، مانع‌هایی را که بر سر راه وی ایجاد می‌شود از پیش برمی‌دارد، و عاقبت با فرخ لقا وصلت می‌کند. نام بعضی از بازیگران داستان، مانند قمر وزیر و مادر فولادزره، در میان مردم به عنوان نمونه ناپاکی و بدنهادی مثل شده است. مؤلف این کتاب به درستی معلوم نیست. آنچه از اسناد و شواهد بر می‌آید این است که داستان اثر فکر تقیب الممالک، نقاباشی زمان ناصرالدین شاه است که به دست فخرالدوله، دختر ناصرالدین شاه تحریر یافته است. این کتاب بارها به طبع رسیده است.

امیر کبیر (حدود ۱۲۲۰-۱۲۶۸ هجری قمری) میرزا تقی خان امیر کبیر که به امیر نظام مشهور است صدراعظم معروف ایران در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار بوده است. وی در فراهان اراک به دنیا آمد. چون پندش آشنی قائم مقام فراهانی بود، وی در دستگاه قائم مقام تربیت خوب یافت و ترقی کرد. در ۱۲۴۴ هجری قمری به روسیه رفت و در بازگشت از روسیه به امور نظام پرداخت. چیزی نگذشت که «وزیر نظام» آذربایجان شد و کمی بعد جمیع امور نظام دستگاه ولیعهد را در آذربایجان قبضه کرد. در فوت محمد شاه با ناصرالدین شاه به تهران آمد و با لقب امیر نظام به صدارت نشست.

امیر کبیر مردی بود لایق و باتدبیر. در ایجاد امنیت و اصلاح مالیه و تنظیم دادگاهها و تأسیس چاپارخانه و تربیت قشون و ترویج صنایع اقدامات عمده‌ای کرد. یکی دیگر از کارهای مهم وی تأسیس دارالفنون بود. همه این اقدامات چنان موجب وحشت درباریان شد که از وی نزد ناصرالدین شاه سعایت کردند، و عاقبت شاه او را از کار برکنار ساخت و به کاشان تبعید کرد. چندی بعد به امر شاه در قریه فین کاشان، به دست علی خان حاجب الدوله،

اوزان و مقیاسهای سابق ایران (از دیماه ۱۳۱۱ شمسی سلسله متری جایگزین آنها شده است.)

مقیاسهای طول	مقیاسهای حجم
فرسنگ (رسمی) ۶۰۰۰ ذرع	ذرع مکعب ۱
فرسنگ جغرافیایی ۴۰۸۵۶ ذرع	گره مکعب $(\frac{1}{16})^3$ ذرع مکعب
میل ۲۰۰۰۰ ذرع	بهر مکعب $\frac{1}{8}$ گره مکعب
ذرع (رسمی) ۱ ذرع	
گره $\frac{1}{16}$ ذرع	
بهر $\frac{1}{12}$ گره	

مقیاسهای سطح	مقیاسهای وزن
فرسنگ مربع ۳۶ میلیون ذرع مربع	مروار ۱۰۰ من تبریز
چریب (زراعتی) ۶۵۷ ذرع مربع	من (با من ری) ۴ من تبریز
ذرع مربع ۱	من شاه ۲ من تبریز
گره مربع $\frac{1}{256}$ ذرع مربع	من تبریز ۱
بهر مربع $\frac{1}{4}$ گره مربع	سیر ۱/۴۰ من تبریز
	منقال ۱/۱۶ سیر
	نخود ۱/۲۴ منقال

واحد	اضعاف متداول	اجزای متداول
متر	کیلومتر -	دسیمتر = $\frac{1}{10}$ متر
	۱۰۰۰ متر	سانتیمتر = $\frac{1}{100}$ متر
		میلیمتر = $\frac{1}{1000}$ متر
متر مربع	کیلومتر مربع -	دسیمتر مربع = $\frac{1}{100}$ متر مربع
	۱۰۰۰۰۰۰۰ متر مربع	سانتیمتر مربع = $\frac{1}{10,000}$ متر مربع
	متر مربع	میلیمتر مربع = $\frac{1}{1,000,000}$ متر مربع
متر مکعب	کیلومتر مکعب -	دسیمتر مکعب = $\frac{1}{1,000}$ متر مکعب
	۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ متر مکعب	سانتیمتر مکعب = $\frac{1}{1,000,000}$ متر مکعب
	متر مکعب	میلیمتر مکعب = $\frac{1}{1,000,000,000}$ متر مکعب
کیلوگرم	تن -	گرم = $\frac{1}{1000}$ کیلوگرم
	۱۰۰۰ کیلوگرم	دسیگرم = $\frac{1}{10,000}$ کیلوگرم
		سانتیکرم = $\frac{1}{100,000}$ کیلوگرم
		میلیگرم = $\frac{1}{1,000,000}$ کیلوگرم

اهواز شهر اهواز مرکز شهرستان اهواز و مرکز استان ششم (خوزستان) است. نام قدیمش هرمزد اردشیر و سپس سوق الاهواز و پس از آن ناصری بوده است. جمعیتش حدود ۱۲۰'۰۰۰ (سرشماری ۱۳۳۵ هجری شمسی) و ارتفاعش از سطح دریا ۳۱ متر است. اهواز بر دو طرف رود کارون و بر راه آهن سرتاسری واقع است. هوایش بسیار گرم است، و بادهای جنوب شرقی، که در اصطلاح محلی سُرُجی گفته می‌شود، هوا را در تابستان گرم و خفه‌کننده می‌سازد.

تاریخ اهواز . به احتمال قوی اهواز در محل شهر قدیم تارپانا واقع شده است. اردشیر اول ساسانی تارپانا را از نو ساخت، و آن را هرمزد اردشیر نامید و ساختن سد بزرگی را بر تنداب رود کارون آغاز کرد. در دوره او و جانشینانش این شهر رونق فراوان یافت و به جای شوش پایتخت سوزیانا (خوزستان) شد. هنگامی که اعراب مسلمان سوزیانا را گرفتند، هرمزد اردشیر را سوق الاهواز نامیدند

اوزان و مقیاسهای ایران پیش از سال ۱۳۱۱ شمسی، اوزان و مقیاسهای ایران مشتت بود و کمابیش دارای همان معایب اوزان و مقیاسهای رایج در فرانسه پیش از استعمال سلسله متری بود. در ۱۸ دیماه ۱۳۱۱ قانونی به تصویب مجلس شورای ملی رسید که به موجب ماده اول آن اوزان و مقیاسهای مملکت ایران مطابق با اصول متری (اصول اندازه‌گیری در فرانسه و در اغلب کشورها) شد. واحدهای آن برای طول متر، برای سطح متر مربع، برای حجم متر مکعب، و برای وزن کیلوگرم است.

به علاوه در همان قانون به دولت اختیار داده شده که وزنهایی با اصول متری از قبیل من (معادل با سه کیلوگرم) و سیر (معادل ۷۵ گرم) تهیه کند.

در جدول بالا اوزان و مقیاسهای سابق ایران، و نیز اضعاف و اجزای این واحدها آمده است. این جدول به خوبی گوناگونی و آشفتگی واحدهای مقیاسهای متداول در ایران را نشان می‌دهد.

که به معنی بازار هوزیهاست. هوزیهها یا خوزیهها از قبایل جنگجوی قدیم بودند و خوزستان نیز از آنها نام گرفته است. اهواز در دوره خلفای اموی و عباسی نیز آباد و پررونق و مرکز زراعت نیشکر بود. ولی در اواخر قرن سوم هجری قمری رو به انحطاط گذاشت. بعدها در آبادی آن کوشیدند، ولی از بین رفتن سد بزرگ آن در اواسط قرن نهم هجری قمری سبب خرابی واقعی شهر شد. در اوایل قرن بیستم میلادی جمعیتش از ۲۰۰۰ تجاوز نمی کرد، اما پیدا شدن نفت در خوزستان از نو سبب آبادی آن شد و دوباره مرکز خوزستان شد. خط آهن سرتاسری ایران در اهواز از روی پل آهنی ظریفی می گذرد که پایه های آن بر بازمانده های سد قدیم گذارده شده است. یک پل عظیم دیگر نیز در شهر هست که برای عبور مردم و وسایل نقلیه است. شهر اهواز یک دانشگاه دارد.

شهرستان اهواز از غرب به عراق و شهرستان دشت میشان محدود است. رودهای عمده آن کارون و کرخه است. قسمتی از بخش جنوبی شهرستان را دشت رسوبی کارون فرا گرفته است. استعداد کشاورزی آن زیاد است.

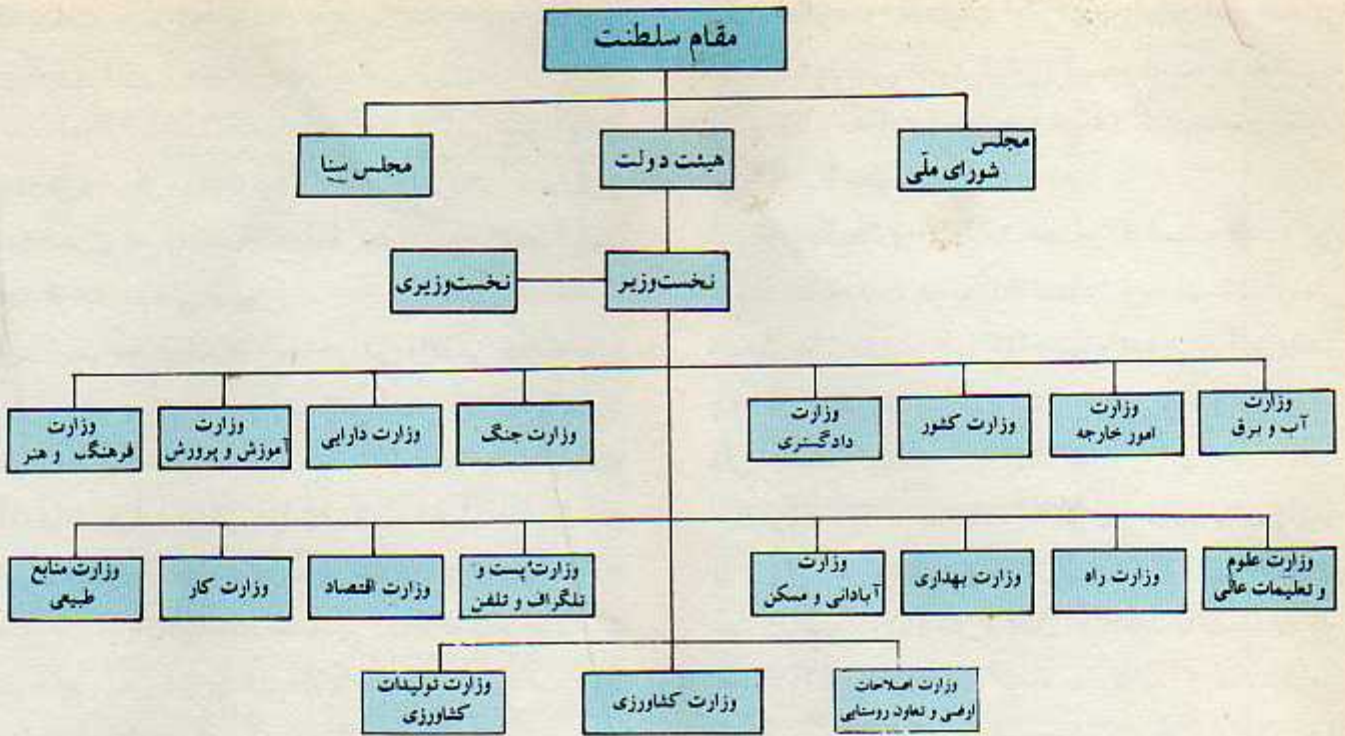
پل اهواز بر رود کارون

ایران، حکومت حکومت ایران بر اساس اصل جدایی قوا، که در متمم قانون اساسی آمده است، به سه قسمت مقننه، (قانون گذاری) مجریه، و قضائیه تقسیم شده و وظایف هر یک دقیقاً معلوم شده است.

قانون گذاری از وظایف خاص قوه مقننه است و این قوه از اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا ناشی می شود. اما وضع و تصویب قوانین راجع به دخل و خرج مملکت و تفسیر قوانین به مجلس شورای ملی اختصاص دارد.

قوه قضائیه از وزارت دادگستری و سازمانهای وابسته، به آن تشکیل یافته است. وظایف عمده وزارت دادگستری عبارت است از: (۱) حل و فصل اختلافات به وسیله دادگاه ها؛ (۲) تعقیب مجرمان توسط دادستانها و تصفیه امور ورشکستگی و تأمین حقوق مجبورین، یعنی کسانی که از عقل ناقصند؛ (۳) نظارت در اجرای قوانین به وسیله دادستانهای عمومی و بازرسی کل کشور؛ و (۴) تثبیت مالکیت خصوصی به وسیله اسناد رسمی و اجرای اسناد رسمی توسط اداره کل ثبت اسناد و املاک.





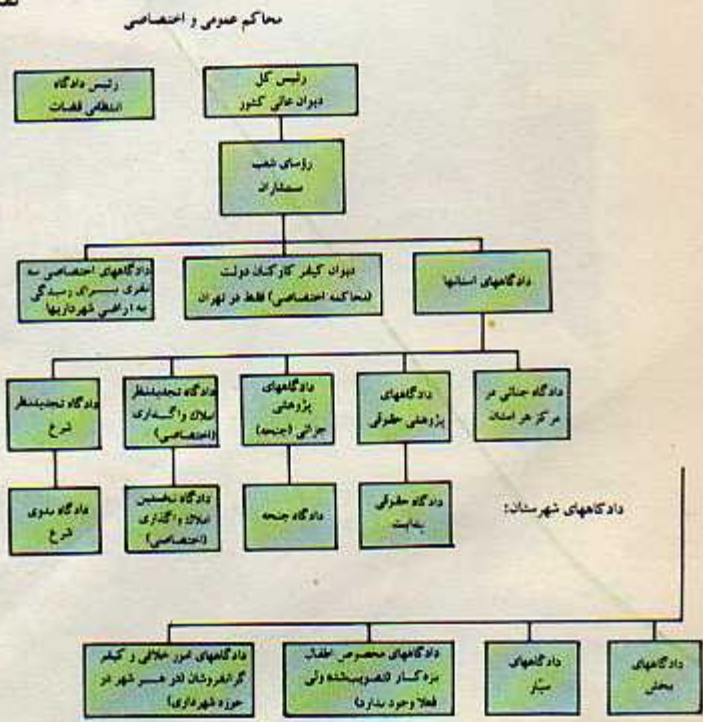
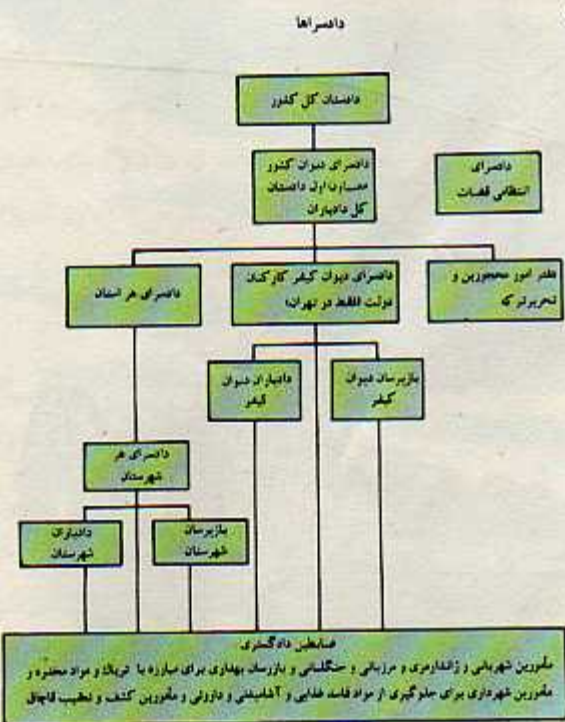
شکایت کارمندان دولت از دستگاههای دولتی در دیوان کشور رسیدگی می شود. شکل زیر نموداری است از سازمان قضایی کشور:

قوه مجریه که در رأس آن اعلیحضرت همایون شاهنشاهی قرار گرفته اند تشکیل یافته است از وزارتخانه ها و سازمانهای وابسته به آنها.

در رأس هر وزارتخانه یک وزیر قرار دارد. ریاست

عالیترین مرجع قضائی دیوان عالی کشور است که به موجب اصل ۷۵ متمم قانون اساسی به وجود آمده و در پایتخت تشکیل می شود. دیوان کشور از ۱۲ شعبه تشکیل یافته و ۴۸ مستشار دارد. رئیس دیوان کشور به پیشنهاد وزیر دادگستری با فرمان همایونی منصوب می شود. نقض یا تأیید احکام دادگاهها و نظارت در محافظت و اجرای یکنواخت قانون در تمام دادگاهها با دیوان کشور است.

نقشه سازمان قضائی



هیئت وزرا بر عهده نخست وزیر است، و در مواقع مهم این هیئت به ریاست عالیۀ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی که رئیس قوه مجریه است تشکیل می شود.

وظایف وزرا عبارت است از تعیین خط مشی سیاسی دولت و نظارت به اجرای آن و برقرار کردن ارتباط با مجالس قانونگذاری. در کلیه امور کشوری وزرا در مقابل مجلسین مسئول هستند.

به موجب متمم قانون اساسی عزل و نصب وزیران با پادشاه است، اما مطابق اصول مشروطیت، پادشاه معمولاً شخصی را مأمور تشکیل دولت می کند که مورد اعتماد مجلس شورای ملی و مجلس سنا باشد.

مطابق اصول مشروطیت و قوانین اساسی ایران، وزیران وظایف خود را تحت نظارت عالیۀ مجالس قانون گذاری انجام می دهند. نمایندگان دو مجلس حق دارند که درباره امور کشوری از وزرا در مجلس سئوالاتی بکنند یا آنان را مورد استیضاح قرار دهند. استیضاح نمایندگان از وزیری ممکن است موجب سقوط دولت شود؛ بدین ترتیب که پس از آنکه وزیر مسئول یا نخست وزیر به استیضاح مجلس پاسخ داد، نمایندگان می توانند نسبت به وزیر یا دولت تقاضای «رأی اعتماد» کنند. اگر مجلس به آن وزیر یا به دولت «رأی عدم اعتماد» داد، آن وزیر یا هیئت دولت باید استعفای خود را تقدیم مقام سلطنت کرده از کار کناره گیرد. شکل صفحه قبل نمودار سازمان مرکزی دولت ایران است.

ایران، قانون اساسی نخستین جلسه مجلس دوره اول در ماه شعبان ۱۳۲۴ هجری قمری تشکیل یافت. مهمترین وظیفه ای که این مجلس بر عهده گرفت تدوین طرح قانون اساسی بود. طرح اولیۀ این قانون در ۵۱ اصل تهیه شد و به تصویب مجلس رسید. در ۱۴ ذی قعدۀ ۱۳۲۴ مظفرالدین شاه طرح قانون اساسی ایران را امضا کرد، و ۵ روز پس از آن درگذشت.

قانون اساسی مشتمل است بر ۵۱ ماده یا «اصل» درباره تشکیل مجلس و حدود و حقوق آن و شرایط تشکیل مجلس سنا و تهیه طرح قوانین برای تصویب دو مجلس. اما

در این قانون موقع معینی برای دعوت مجلس سنا پیشبینی نشده بود. بدین ترتیب سالها هر طرح قانونی، همین که فقط مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار می گرفت و به صحه همایونی می رسید، ارزش قانونی می یافت و به مورد اجرا در می آمد.

چیزی نگذشت که معلوم شد که این قانون اساسی نواقصی دارد که باید برطرف شود. بدین منظور کمیسیونی در همان دوره اول مجلس تعیین شد تا مواد لازم را بر قانون اساسی بیفزاید.

متمم قانون اساسی، مشتمل بر ۱۰۷ اصل در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ هجری قمری به صحه محمد علی شاه قاجار رسید. از جمله مواد مهم متمم قانون اساسی اصل ۲۷ آن است که به موجب آن قوای مملکت به سه قوه مقننه، مجریه، و قضائیه تجزیه می شود.

ایران، کشور در روزگاران بسیار دور گذشته مردمانی به نام آریاییها در نواحی سرد شمالی، از شمال دریای سیاه و دریای خزر تا ترکستان و رودهای جیحون و سیحون می زیستند. این مردمان کم کم به علت سرمای سخت و دشواری زندگی، مسکن خود را در پی به دست آوردن سرزمین گرمتر و زندگی بهتر ترك کردند. گروهی به مغرب رفتند و گروهی دیگر به جنوب. اینان که به جنوب رفتند دو دسته شدند. دسته ای به هندوستان رفتند و دسته ای دیگر در سرزمینی ماندگار شدند که ایران، یعنی سرزمین آریاییها را تشکیل می دهد.

ایران در جنوب غربی قاره آسیا واقع است. وسعت کنونی آن در حدود ۱،۶۵۰،۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتش حدود ۱۹ میلیون (سرشماری ۱۳۵۵ هجری قمری) است (طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ که آمار آن هنوز رسماً منتشر نشده، جمعیت ایران حدود ۲۵ میلیون است). از شمال، در طرف شرق دریای خزر به ترکمنستان شوروی و در طرف غرب این دریا به آذربایجان شوروی و ارمنستان شوروی، از شرق به خاک شوروی و افغانستان و پاکستان، از غرب به ترکیه و عراق محدود است و در جنوب کنار خلیج فارس و دریای عمان قرار دارد. از جزایر ایران در خلیج فارس



خارك، مجمع الجزایر بحرین، شیخ شعیب، هندورابی، كیش، ابوموسی، قشم، هنگام، لارك، و هرمز را می توان نام برد.

تاریخ ایران

تاریخ ایران را می توان به دو دوره تقسیم کرد: تاریخ پیش از اسلام و تاریخ بعد از اسلام.

الف) تاریخ ایران پیش از اسلام، در این دوره قسمت عمده سکنه ایران را آریاییها تشکیل می دادند. از جمله آریاییها مادها در شمال غربی ایران، پارسیها در قسمت

جنوبی، و پارتها در خراسان سکونت داشتند. قوم ماد در اوایل قرن هفتم پیش از میلاد نخستین دولت ایرانی را تأسیس کردند. دولت ماد در ۵۵۰ پیش از میلاد به دست کوروش بزرگ برافتاد، و سلطنت ایران به پارسیان انتقال یافت و امپراطوری هخامنشی تشکیل شد.

دولت هخامنشی سرانجام در ۳۳۰ پیش از میلاد به دست اسکندر مقدونی برافتاد، تخت جمشید که کاخ شاهان آن بود به آتش سوخت، داریوش سوم به قتل رسید، و ایران جزئی از امپراطوری مقدونیه شد. پس از مرگ

اسکندر، ممالک او میان جانشینانش تقسیم شد، و ایران از قسمتهایی بود که به سلوکوس اول رسید و تحت حکومت سلوکیان درآمد. در دوره سلوکیان، که حدود ۲۵۰ سال در ایران حکومت کردند، تمدن یونان در ایران نفوذ کرد.

سلسله سلوکی به دست قوم پارت منقرض شد، و از حدود ۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۶ میلادی، سلسله اشکانیان بر سرزمین ایران سلطنت کردند. دولت اشکانی در زمان مهرداد اول به اوج وسعت خود رسید، و از طرفی با هند و از طرف دیگر با بین‌النهرین و آسیای صغیر همسایه شد. در زمان ارد اول نخستین جنگ بین ایران و روم در گرفت. این سلسله به علت فساد و اختلافات داخلی کم‌کم ضعیف شد، و سرانجام به دست اردشیر اول ساسانی برافتاد.

اردشیر اول سلسله پارسی ساسانیان را تأسیس کرد که تا ۶۵۲ بعد از میلاد در ایران سلطنت کردند. ساسانیان حکومتی ملی و متکی به دین و تمدن ایران تأسیس کردند. جنگهای ایران و روم در آن دوره ادامه یافت. امپراطوری پهناور ساسانی، که زمانی از رود سند تا دریای سرخ ممتد بود، سرانجام بر اثر مشکلات خارجی و گرفتاریهای داخلی ضعیف شد. آخرین پادشاه این سلسله، یزدگرد سوم، با حمله اعراب مسلمان رو به رو شد. ایرانیان در جنگهای قادسیه، مداین، جلوداء، و نهاوند مغلوب شدند و دولت ساسانی از پای درآمد.

(ب) تاریخ ایران بعد از اسلام. این دوره از تاریخ ایران از فتح نهاوند به دست اعراب در سال ۶۵۱ یا ۶۵۲ هجری قمری آغاز می‌شود. تقریباً بیست سال طول کشید تا همه بلاد ایران، به جز مکران و کابل، به دست اعراب افتاد. دیری نگذشت که تقریباً همه مردم ایران به دین اسلام درآمدند. در آغاز این دوره بیشتر خلیفه‌ها یا سلسله‌های محلی، مثل خلفای عباسی و سلسله‌های صفاریان و آل زیار و سامانیان و سلاجقه و خوارزمشاهیان به حکومت پرداختند، و این وضع ادامه داشت تا ظهور مغول. سانه مغول در بلاد ایران همه جا با کشتار و ویرانی و غارت همراه بود، و وحدت ایران را از میان برد و لطمه کلی به آبادی و تمدن و فرهنگ ایران وارد کرد. اخلاف

هولاکو، که به نام ایلخانیان در ایران حکومت کردند، تحت تأثیر وزرا و مشاوران مسلمانی چون خواجه نصیرالدین طوسی و شمس‌الدین محمد جوینی به آیین اسلام گرویدند و رفته رفته مقهور تمدن و تربیت اسلامی و ایرانی شدند. عاقبت فساد و اختلاف در میان آنان موجب شد که يك وضع ملوک طوایفی در سراسر ایران پیش آید، و سلسله‌هایی محلی چون چوپانیان، آل جلایر، آل مظفر، سرداران در اطراف سر بر آوردند. این ملوک طوایفی را مرد خونخواری به نام تیمور پایان داد. تیمور که به امیر تیمور یا تیمور لنگ معروف است، بسیار از بلاد ایران را به غارت و چپاول کشید و با خشونت و وحشیانه به حکومت ایلخانیان پایان داد. اما بنیاد حکومتش سست بود و پس از مرگش قلمرو وسیع حکومت او دچار هرج و مرج شد.

نیم قرن نگذشت که از همه بلاد ایران فقط سیستان و خراسان در دست اعقاب تیمور باقی ماند، و دولتهایی از قبیل آق قویونلو و قرا قویونلو روی کار آمدند. عاقبت شاه اسماعیل اول صفوی و تأسیس دولت مقتدر صفویه به این وضع هرج و مرج پایان داد. ایران دگر بار تحت حکومتی واحد درآمد و به مرحله يك دولت ملی اعتلا یافت.

صفویه، با قبول مذهب تشیع، سرزمینهای شیعه‌نشین ایران را در برابر تجاوز اهل تسنن متحد کردند، و اساس دولت خود را بر ترویج مذهب تشیع و برپا کردن مراسم تعزیه محرم و تکریم و زیارت بقعه‌های متبرکه نهادند. این امر موجب شد که خطر تجزیه ایران از میان برود و استقلال و موجودیت آن حفظ شود. در عهد صفویه روابط سیاسی و تجارتي با بعضی از دولتهای اروپایی برقرار شد، و سازمان نظامی و نظام اداری نسبتاً مرتبی به وجود آمد. اما بعد از وفات شاه عباس دوم ضعف و انحطاط در دولت صفویه پیدا شد. حس صلحجویی و آرام‌طلبی و استغراق در شهوت و عشرت، اواخر عهد صفویه را آماده انقراض ساخت و ضربتی که شمشیر افغانه بر پیکرش وارد کرد یکباره آن را از پای در آورد.

هجوم افغانه يك بار دیگر داستان هجوم اعراب و جنگ قادسیه را تجدید کرد. ضعف و انحطاط واقعی سلاطین

صفوی، که در زیر پرده جلال و جبروت ظاهری پوشیده بود، به نیرنگ میر ویس و حمله محمود افغان و اشرف افغان آشکار شد. مقارن این جریان، پتر کبیر روسیه، به بهانه کمک و شاید به دعوت شاهزاده طهماسب دوم صفوی، لشکر به ساحل خزر فرستاد. دربند و باکو و ولایت داغستان و حتی قسمتی از گیلان و مازندران و استرآباد را تصرف کرد. اشرف افغان هم خود قسمتی از ولایات مغرب را به ترکان عثمانی وا گذارد. همه اینها ایران را به سوی تجزیه کشانید. اما ظهور نادرقلی، که بعداً عنوان نادرشاه یافت، از این تجزیه جلوگیری کرد. وی پس از غلبه بر اشرف و اخراج افغانه، طهماسب دوم صفوی را نیز به عنوان سستی و خیانت خلع کرد و چندی بعد خود تاج و تخت ایران را به دست آورد.

نادرشاه در دفع تجاوز ترکان عثمانی کوشید و بلاد ایران را از آنان باز گرفت؛ روسها را از ایران براند، و در صدد این بود که یک نیروی دریایی تشکیل دهد، ولی مجال نیافت. به هند لشکر کشید و با غنایم بسیار بازگشت. در بازگشت از هند به علت منازعه‌های پی در پی، و خصوصاً به جهت شکست در اجرای نقشه یکی کردن مذاهب اهل سنت و شیعه، دچار خستگی و نومیدی شد، به خون مردم تشنه شد، فرزند خود رضاقلی میرزای افشار را کور کرد، و در صدد قتل سرداران و نزدیکان خویش برآمد. اما خودش به دست آنان کشته شد. مرگ نادرشاه دولت عظیم و مقتدری را که به تدبیر و شجاعت او به وجود آمده بود متلاشی کرد، و هرج و مرج پدید آمد. مدعیان سلطنت سر بر آوردند، و میان آنان بر سر فرمانروایی نزاع در گرفت. عاقبت کریم خان زند قدرت را به دست آورد و سلسله زندیه را تأسیس کرد.

کریم خان زند، که با عنوان وکیل‌الرعیایا در شیراز به سلطنت پرداخت، مردی بود صلحجو؛ با این حال بصره را از عثمانیها به جنگ گرفت، درباری ساده و کم‌خرج تشکیل داد. اما با مرگ او دولت زندیه نیز در میان اختلافها و ستیزه‌های خانگی ضعیف شد. آقا محمد خان قاجار سلطنت و قدرت را از دست لطفعلی خان زند، آخرین شاهزاده خاندان زندیه، خارج کرد و دولت قاجاریه را بنا نهاد.

دولت قاجاریه، از همان آغاز کار، مواجه شد با انقلاب کبیر فرانسه و با توسعه شرکت هند شرقی. در واقع تاریخ مناسبات سیاسی قاجاریه عبارت شد از تاریخ رقابتهای سیاسی و بازرگانی انگلستان و فرانسه، و سپس انگلستان و روسیه. دربار فتحعلی شاه قاجار میدان تحریکات و رقابتهای بین ناپلئون و انگلستان بود، و دربار محمد شاه قاجار عرصه اختلافات بین روسها و انگلیسها. جنگهای ایران و روس و جنگهای هرات قوای ایران را تحلیل بردند و ضعف و فقر مادی و معنوی ایران را افزودند. در دوره سلطنت طولانی ناصرالدین شاه قاجار، وجود رجالی چون امیر کبیر و سید جمال‌الدین افغانی، و مزید مرادوات با اروپا و تأسیس روزنامه و تلگراف و غیره مقدمات پیدایش افکار تجدیدطلبی و ترقیخواهی را در ایران فراهم آورد. پسر ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، ناچار در آخرین روزهای عمر خود فرمان تأسیس مجلس شورای ملی را صادر کرد. دوران سلطنت احمد شاه قاجار، آخرین پادشاه این سلسله، به علت بروز اغتشاشات داخلی و ضعف خزانه و ناامنی راهها، دچار مشکلات فراوان شد. جنگ جهانی اول ایران را، با آنکه بیطرف بود، میان تجاوز و تعارض روس و عثمانی قرار داد. در پایان جنگ قراردادی با انگلیسها بسته شد که تقریباً همه اختیار مالیه و نظام و راههای ایران را به آنان واگذار می‌کرد. این موضوع، به اضافه ظهور انقلاب کبیر روسیه و رفتن قوای روس از ایران، منجر به قیام میرزا کوچک خان جنگلی در گیلان و اعتراض خیابانی در آذربایجان شد. این اوضاع و احوال و نابسامانی ادامه داشت تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ظهور قهرمان جدید ایران، رضاخان سردار سپه.

با کودتای سوم اسفند، رضاخان سردار سپه وزارت جنگ را به دست آورد و پس از آن به نخست‌وزیری و فرماندهی کل قوا رسید، و با ازدیاد قدرت او دولت قاجاریه رو به زوال رفت. با خلع احمد شاه از طرف مجلس، سلطنت قاجاریه بر افتاد و سردار سپه به نام رضاشاه زمام مملکت را در دست گرفت.

رضا شاه کبیر بیست سال با قدرت تمام حکومت کرد. حکومت او توانست اوضاع آشفته ایران را از هر جهت سر و سامان دهد. اما جنگ جهانی دوم و استغفای اجباری

او از مقام سلطنت و اشغال ایران از جانب قوای متفقین مقارن جلوس جانشین او محمد رضا شاه پهلوی، شاهنشاه آریامهر، مشکلات تازه‌ای برای ایران پدید آورد که با پایان یافتن جنگ تدریجاً از میان رفت.

جغرافیای ایران

مرزهای ایران در طی تاریخ دراز این کشور بارها تغییر یافته است. در زمان هخامنشیان امپراطوری ایران از رود سند تا دریای اژه و رود نیل، و از سیحون و دریای خزر و دریای سیاه تا خلیج فارس و بحر عمان امتداد داشت. در طی قرن‌ها، کشور ایران گاه بروسعتش افزود و گاه اراضی آن به دست اجانب افتاد. پس از استیلای عرب، استقلال ایران از میان رفت و این سرزمین جزو امپراطوری وسیع اسلام شد. ایران کنونی در عهد صفوی تشکیل شد و مرزهای کنونی آن بر طبق عهدنامه‌هایی که با دولتهای همسایه بسته شد، از زمان شاه صفی آغاز می‌شود.

تقریباً همه ایران در ناحیه‌ای قرار دارد که به فلات پامیر معروف است. فلات پامیر از دره‌های فرات و دجله تا ارتفاعات پامیر در آسیای مرکزی امتداد دارد. سرزمین ایران از یک فلات مرکزی پهناور و یک حاشیه کوهستانی تشکیل شده است. حاشیه کوهستانی به سه منطقه تقسیم می‌شود: کوههای زاگروس و امتداد آنها تا مکران، کوه‌های شمالی و کوههای شرقی. کوههای شمالی و کوههای زاگروس در توده‌ای به هم متصل می‌شود که مرکزش کوه‌های آرادات است.

منطقه اول مشتمل است بر کوههای کردستان، لرستان، بختیاری، فارس، مکران، و بلوچستان. قله‌های عمده آنها کبیرکوه، پشتکوه، پیشکوه (در جنوب شرقی الوند)، زردکوه، کوه گیلویه، و دینار است. منطقه شمالی منقسم می‌شود به کوههای آذربایجان (شامل قراداغ، جبال طالش، سهند، سبلان، قافلان کوه و غیره)، جبال البرز، و کوههای خراسان (شامل هزار مسجد، قراداغ، آلاداغ، بینالود). کوههای شرقی رشته‌کوههایی هستند نامنظم که از شمال به جنوب امتداد دارند.

از فلات مرکزی نیز کوههایی می‌گذرند که یک رشته از آنها از میانه تا کرمان امتداد دارد و رشته دیگر از نیشابور تا مرز بلوچستان کشیده شده و حوضه سیستان را از کویرهای مرکزی جدا می‌کند. در فاصله میان این دو رشته‌کوه بیابانهای معروف کویر قرار دارد که سطح آنها تا حدود ۲۰۰۰ متر پایینتر از کوههای مرزی آنها است. از جمله این بیابانها کویر لوت و کویر نمک (از حدود قم و کاشان تا کویر لوت) است. در تمام این بیابانها، خصوصاً در کویر لوت و کویر نمک، باتلاقی‌هایی هست که آبهای آنها در تابستان خشک می‌شود و نمک فراوان به جا می‌گذارد. مهمترین این باتلاقیها حوض سلطان (جنوب شرقی قم) و شورگزه هامون (شمال شرقی بم) است.

حوزه‌های زهکشی ایران، یعنی حوزه‌هایی که آبها را به خود می‌کشند، تقریباً چهار حوزه است: دریاچه رضائیه، دریای خزر، خلیج فارس و بحر عمان، و فلات مرکزی. رودهای کوتاهی از کوههای غربی و کوههای شمالی ایران به دریاچه رضائیه می‌ریزند. رودهایی که به دریای خزر می‌ریزند عبارتند از: ارس، سفیدرود، اترک، گرگان، هراز، چالوس، بابل، تجن، و غیره. رودهای کرخه، کارون، جراحی، طاب، دالکی، شور، میناب، و غیره به خلیج فارس و بحر عمان می‌ریزند. در فلات مرکزی کوههای شرقی و کوههای زاگروس را رودهایی زهکشی می‌کنند که بزرگ‌ترین آنها زاینده‌رود است. زاینده‌رود، رود کرخ، جاجرود، و جبلدرد به دریاچه حوض سلطان می‌ریزند. دیگر از حوضه‌های زهکشی فلات مرکزی دریاچه نیریز، دریاچه مهارلو (جنوب شرقی شیراز)، هامون جزموران، و دریاچه پریشان (در نزدیکی کازرون) است. در شرق ایران حوضه هامون قرار دارد که رود هیرمند به آن می‌ریزد.

اقلیم اقلیم ایران به طور کلی ببری و خشک است. ارتفاع کوههای شمالی و غربی چندان زیاد است که از تأثیر بادهای مرطوب دریای خزر و دریای مدیترانه و خلیج فارس در نواحی داخلی ایران جلوگیری می‌کند. در نتیجه دامنه‌های داخلی این کوهها خشک و دامنه‌های خارجی آنها مرطوب است. بارش به طور کلی رو به جنوب و شرق رفته رفته کم می‌شود.

اقلیمهای سواحل شمالی و جنوبی با یکدیگر کاملاً متفاوتند. اقلیم سواحل دریای خزر بارانی و مرطوب با تابستانهای ملایم است. بیشتر سواحل شمالی (گیلان، مازندران، گرگان) دارای رستنیهای پرپشت است، و دامنه‌های شمالی البرز جنگلپوش است. در نواحی ارسباران، دشت مغان، و نواحی معتدل استان فارس و بختیاری اقلیم مشابهی وجود دارد. سواحل خلیج فارس بسیار گرم و از بندر لنگه تا بندر دیلم مرطوب است. میزان بارش متوسط سالانه خیلی کمتر از میزان بارش متوسط سواحل شمالی است.

اقلیم سراسر فلات مرکزی و دشت خوزستان خشک است. در این ناحیه پهناور فقط سیستان و بلوچستان و حاشیه‌های کویر و نواحی نسبتاً مرتفع قابل سکونت است، و بقیه بیابانهای خشک و بی‌آب و علف و سنگلاخ یا ریگزارند.

اقلیمی که بتوان آن را اقلیم سردسیری نامید در منطقه وسیعی دیده می‌شود که از آذربایجان تا فارس و کرمان ممتد است و قسمتی از خراسان شمالی نیز آن اقلیم را دارد.

گیاهان و جانوران. به طور کلی گوناگونی اقلیم در ایران موجب وجود گیاهان و جانوران متفاوت و گوناگون در قسمتهای مختلف ایران است. کویرهای مرکزی از جهت رستنی از تمام نقاط دیگر آسیا فقیرتر است، و در عوض سواحل دریای خزر سرشار از رستنیهاست. بر دامنه‌های شمالی البرز، تا ارتفاع ۱۸۰۰ متر، درختان گردو، بلوط افرا، راش، زبان‌گنجشک، نارون، سرو، شمشاد، و از این قبیل وجود دارد و مهمترین منطقه‌های جنگلی ایران در این ناحیه است. در خراسان، آذربایجان، لرستان، کردستان، کرمانشاهان، اصفهان، کوه گیلویه، فارس، کوه‌های بختیاری، و کرمان نیز منطقه‌های جنگلی وجود دارد. از گیاهان روغنی، از قبیل بزرک و کنجد و کرچک، روغن استخراج می‌شود. از گیاهان و بوته‌های وحشی صمغ‌های گوناگون از قبیل کتیرا، سقز، سریش، و انقوزه به دست می‌آید. از گیاهان رنگی نیل، روناس، مازو، حنا، زعفران، و غیره حاصل می‌شود. بسیاری از گلها بومی

ایراند: لاله، گل سرخ، گل استکانی، شقایق، شمعدانی عطری، بنفشه، زنبق، ختمی درختی، شمشاد پیچ، و یاسمن. در جنگلهای البرز بیر، پلنگ، خرس، گوزن، گراز، و جوجه تیغی یافت می‌شود. روباه، یوزپلنگ، گرگ، شغال، سنجاب، و خرگوش فراوان است. در کویرها و نمکزارها، گورخر، در دشتها آهو، در کوهها میش و قوچ و بز، و در نواحی باتلاقی خرس یافت می‌شود. حشرات و خزندگان فراوان است. اطلاعات مربوط به پرندگان بسیار ناقص است. از جمله پرندگان اهلی مرغ، خروس، اردک، غاز، کبوتر، و بوقلمون، و از پرندگان وحشی اردک وحشی، درنا، بلدرچین، خروس کولی، کبوتر چاهی، توکا، سار، تیهو، باقرقره، قرقاول، کبک، عقاب، باز، لک‌لک، قوش، قرقی، کرکس، سبزقبا، هدهد، حواصیل، و اقسام گنجشک و جغد است. در رودهای کنار دریای خزر انواع فراوان ماهیها یافت می‌شود (آزاد، صوف، خاویار). صید ماهیهای گوناگون خلیج فارس نیز در این اواخر دارای اهمیت شده است.

منابع معدنی ایران. در ایران نفت، گازهای طبیعی، زغال‌سنگ، آهن، منگنز، کروم، مس، سرب، روی، نقره، طلا، ارسنیک، جیوه، نیکل، کوبالت، وولفرام، مولیبدن، گوگرد، نمک، بور، پنبه نسوز، سنگهای قیمتی و نیمه‌قیمتی، و سنگهای ساختمانی یافت می‌شود. عمده‌ترین منابع معدنی ایران نفت است (در مسجد سلیمان، لالی، هفتگل، نفت سفید، آغاچاری، گچساران، اهواز، بندر عباس، بینک، مند، پازنان، نفت‌شاه، سراجه). از سایر منابع معدنی ایران می‌توان اینها را نام برد: زغال‌سنگ در ناحیه کوه‌های البرز (کاجره، شمشک، نسا، لالون، گرمابدره در دامنه‌های جنوبی؛ الیکا، گلندرود، وزیراب در دامنه‌های شمالی)، حوالی سمنان و شاهرود، حوالی تربت‌جام (خراسان)، ناحیه جنوب کاشان و حوالی منطقه مرکزی ایران، و کرمان؛ آهن در اراک و ملایر و یزد، اصفهان و کاشان، دامغان و سمنان، اطراف تهران، آذربایجان و گیلان، زنجان، خراسان و جزایر خلیج فارس؛ مس در اراک، آذربایجان، اردستان، شاهرود، و زنجان؛ سرب و روی در انارک، شاه‌کوه اصفهان، طبس (سرب)، و زنجان؛



ایل قشقایی به هنگام بیلاق و قشلاق



کردها در لباس محلی



ایل بختیاری در جنوب باختری اصفهان



ترکمنهای شمال باختری خراسان

منگنز در رباط کریم، نائین، اردستان، و اشتهارد؛ کروم در عباس آباد شاهرود، سبزوار، فریمان، رباط سفید، کرمان و فارس؛ طلا در موله؛ معادن سنگ مرمر در یزد، معادن فیروزه نیشابور، از قدیم شهرت داشته است.

سکنه. نژاد آریایی، که در حدود اواسط هزاره دوم پیش از میلاد در ایران جایگزین شد، در طی تاریخ با اقوام مختلف عرب و ترک و غیره در آمیخت، و نژاد ایرانی به معنی خاص از اعقاب این آریاییها شمرده می شود. در ایران، علاوه بر کرد و لر و بختیاری، عناصر ترک و ترکمن و عرب و بلوچ و اقلیتهای ارمنی، آسوری، گرجی و غیره وجود دارد.

طوایف ترک و ترکمن در آذربایجان و گرگان و خراسان و مازندران و فارس و بعضی نواحی دیگر سکنه دارند. از طوایف ترک می توان شاهسون، افشار، قشقایی، خلیج، و شقاقی را نام برد. در خراسان، در نواحی مرزی ایران و شوروی، بعضی طوایف ترکمن و نیز قبایلی از کرد و بلوچ سکنه دارند.

کردها و لرها و بختیاریها در کردستان و لرستان و چهار محال سکنه دارند. در خراسان و قزوین و آذربایجان غربی نیز بعضی طوایف کرد دیده می شوند. ایلات کوه گیلویه و ممسنی و لك نیز احتمالاً از لرها هستند. بختیاریها در چهار محال و بروجرد و نواحی شوشتر و رامهرمز زندگی می کنند، و مشتمل بر هفت لنگ و چهار لنگ هستند، قبایل عرب مشتمل بر عشایر عرب خوزستان و بعضی ایلات فارس و خراسان هستند.

از هر صد نفر جمعیت ایران تقریباً ۹۸ نفر مسلمانند،



ایل بلوچ

و از این عده ۹۳ نفر شیعه و بقیه سنی و اسماعیلی و غیره اند. از هر صد نفر، دو نفر دیگر را جامعه‌ها و اقلیت‌های زرتشتی و یهودی و آسوری و غیره تشکیل می‌دهند.

زبان رسمی ایران زبان فارسی است که نه تنها در ایران، بلکه از کوه‌های زاگروس تا پامیر و سیر دریا گسترش دارد.

کشاورزی. گرچه شغل بیشتر مردم ایران کشاورزی است، تنها قریب $\frac{1}{10}$ خاک ایران زیر کشت است، و فقط $\frac{1}{4}$ از این قسمت زیر کشت آبیاری می‌شود. از ۱۵ درصد خاک ایران به عنوان مرتع استفاده می‌شود. محصولات زراعتی عمده گندم، جو، و برنج است. بسیاری از میوه‌ها در ایران به عمل می‌آید.

خشکبار از صادرات مهم ایران است. مرکبات در سواحل دریای خزر و فارس و کرمان، و خرما در خوزستان و سایر نواحی گرم خلیج فارس و دریای عمان، نیشکر در خوزستان و چغندر قند در اغلب نواحی به عمل می‌آید. زراعت پنبه توسعه دارد (گرگان و مازندران). محصول چای گیلان مهم است. توتون و تنباکو (کردستان، گیلان، آذربایجان، اصفهان، و شیراز) در انحصار دولت است.

آبیاری از مشکلات کشاورزی ایران است، و در اغلب نواحی متوسل به حفر قنات می‌شوند. در سالهای اخیر طرح‌های سدسازی و حفر چاه‌های عمیق به مرحله اجرا درآمده است، و سدهای بزرگی از قبیل سد کرج، سد سفید رود، سد محمد رضا شاه پهلوی به توسعه کشاورزی کمک کرده‌اند. طرح‌های مخصوصی نیز برای استفاده از ماشین‌های کشاورزی اجرا شده و می‌شود.

دامپروری (گوسفند، بز، گاو، الاغ، شتر، و اسب) در نزد قبایل رایج است و در نواحی خراسان و آذربایجان نیز اهمیت دارد.

صنایع. از صنعت نفت که بگنندیم، صنعتی‌سازی کشور در واقع از دوره رضا شاه کبیر آغاز می‌شود. صنایع عمده، بعد از صنعت نفت، نساجی است. صنعت آمودن مواد غذایی توسعه می‌یابد (ماهی و خاویار در سواحل شمالی و ماهی در سواحل جنوبی؛ سبزی و میوه در شمال؛ کارخانه‌های تصفیه قند و کارخانه‌های تهیه روغن نباتی). آمودن دخانیات

در تهران متمرکز است، و عمده‌ترین منبع درآمد دولت است. نوشابه‌های الکلی تهیه می‌شود، کارگاه‌های قالیبافی دایر است. دیگر صنایع کبریت‌سازی، سیمان و سایر مصالح ساختمان، تسلیحات، و کالاهای کائوچویی، و پلاستیکی است. صنعت اتوموبیل‌سازی نیز به تازگی به راه افتاده است.

راهها. راه‌های داخلی ایران عبارت است از راه آهن و جاده‌های آسفالت‌شده و شنی و خاکی.

خطوط آهن در دست بهره‌برداری عبارتند از: خطوط تهران - بندر شاه، تهران - بندر شاهپور، تهران - تبریز، تهران - مشهد، قم - کاشان، اهواز - خرمشهر، تبریز - جلفا، صوفیان - شرفخانه، میرجاوه - زاهدان، سر بندر - بندر ماهشهر، و بندر شاه - گرگان.

از لحاظ ارتباط هوایی فرودگاه‌هایی در ایران ساخته شده که مهمترین آنها فرودگاه مهر آباد تهران و فرودگاه آبادان است.

بنادر صادراتی ایران در جنوب آبادان و بندر شاهپور و خرمشهر است. تجارت با شوروی عمدتاً از طریق دریای خزر (بندر پهلوی و بندر شاه) انجام می‌گیرد.

تقسیمات کشوری

در بیست‌ساله اخیر تقسیمات کشور پی در پی در تغییر بوده است. فعلاً طبق «فهرست تقسیمات کشور شاهنشاهی ایران تا خرداد ۱۳۴۵» کشور ایران به ۱۳ استان و پنج فرمانداری کل منقسم شده است. هر استان دارای یک مرکز است و از چند شهرستان (فرمانداری) و چند بخشداری، طبق جدول زیر، تشکیل یافته است.

شهرهای مهم ایران (غیر از بنادر) عبارتند از: اراک، اردبیل، اصفهان، آمل، اهر، اهواز، بابل، بروجرد، بیرجند، تبریز، تهران (پایتخت)، خرم‌آباد، دامغان، رشت، رضائیه، زابل، زاهدان، زنجان، ساری، سبزوار، سمنان، سنندج، شاهرود، شیراز، قزوین، قم، کاشان، کرمانشاه، گرگان، مراغه، مشهد، نیشابور، همدان، ویزد. از جمله بنادر دریای خزر آستارا، بابلسر، بندر شاه، بندرپهلوی، شهباز، و نوشهر است.

شهرستانها (فرمانداریها)	تقسیمات اصلی	شهرستانها (فرمانداریها)	تقسیمات اصلی
مشهد، تربت جام، گناباد، بیرجند، کاشمر، قوچان، شیروان، سبزوار، تربت حیدریه، نیشابور، درگز، اسفراین، فردوس، طبس، یجنود.	(۱۰) استان نهم (خراسان) : ۱۵ فرمانداری، ۱۵ بخشدار؛ مرکزش مشهد	تهران، کرج، قزوین، دماوند، محلات، ساوه، قم، نقرش، شهر ری، شیراز، گرمسار، خمین، اراک، کاشان.	(۱) استان مرکزی : ۱۲ فرمانداری، ۳۳ بخشدار؛ مرکزش تهران
اصفهان، فریدن، شهرضا، اردستان، نائین.	(۱۱) استان دهم (اصفهان) : ۷ فرمانداری، ۱۹ بخشدار؛ مرکزش اصفهان	رشت، بندر پهلوی، لاهیجان، رودسر، طالش، قومن، زنجان، آستارا، لنگرود، رودبار، صومعه سرا.	(۲) استان یکم (گیلان) : ۱۲ فرمانداری، ۲۲ بخشدار؛ مرکزش رشت.
زاهدان، ابرات شهر، چابهار، زابل، سراوان، نجف آباد، یزد، گلپایگان نطنز.	(۱۲) استان بلوچستان و سیستان : ۵ فرمانداری، ۱۶ بخشدار؛ مرکزش زاهدان	ساری، بهشهر، شاهی، شهسوار، نوشهر، بابل، آمل، نور، گرگان، دشت گرگان.	(۳) استان دوم (مازندران) : ۱۲ فرمانداری، ۳۲ بخشدار؛ مرکزش ساری
سنندج، مریوان، سقز، بانه، قروه، بیجار.	(۱۳) استان کردستان : ۶ فرمانداری، ۱۵ بخشدار؛ مرکزش سنندج	تبریز، مرند، خلخال، اردبیل، میانه، سراب، مشکین شهر، ارسباران، مراغه، هشرو.	(۴) استان سوم (آذربایجان شرقی) : ۱۰ فرمانداری، ۲۴ بخشدار؛ مرکزش تبریز
بندر عباس، میناب، بندر لنگه.	(۱۴) فرمانداری کل بنادر و جزایر بحر عمان : ۳ فرمانداری، ۱۴ بخشدار؛ مرکزش بندر عباس	رشت، نقده، ماکو، خوی، مهاباد، شاهپور، میاندوآب.	(۵) استان چهارم (آذربایجان غربی) : ۷ فرمانداری، ۱۴ بخشدار؛ مرکزش رشت
شهر کرد، ایذه، بروجرد.	(۱۵) فرمانداری کل بختیاری و چهار محال : ۳ فرمانداری، ۱۱ بخشدار؛ مرکزش شهر کرد	کرمانشاه، قصر شیرین، ایلام، شاه آباد، پاوه.	(۶) استان پنجم (کرمانشاهان) : ۵ فرمانداری، ۲۵ بخشدار؛ مرکزش کرمانشاه
سمنان، شاهرود، دامغان.	(۱۶) فرمانداری کل سمنان : ۳ فرمانداری، ۸ بخشدار؛ مرکزش سمنان	اهواز، آبادان، بندر معشور، مسجد سلیمان، خرمشهر، دشت میشان، دزفول، شوشتر، بهبهان، کهکیلویه، رامهرمز.	(۷) استان ششم (خوزستان) : ۱۲ فرمانداری، ۲۵ بخشدار؛ مرکزش اهواز
همدان، ملایر، نهاوند، تویسرکان.	(۱۷) فرمانداری کل همدان : ۴ فرمانداری، ۸ بخشدار؛ مرکزش همدان	شیراز، آباده، کازرون، فیروزآباد، جهرم، تیریز، فسا، اصطهبانات، دلراب، لار، ممسنی.	(۸) استان هفتم (فارس) : ۱۲ فرمانداری، ۳۶ بخشدار؛ مرکزش شیراز
خرم آباد، بروجرد، الیگودرز.	(۱۸) فرمانداری کل لرستان : ۳ فرمانداری، ۱۷ بخشدار؛ مرکزش خرم آباد	کرمان، رفسنجان، جیرفت، سیرجان، بم، بافت.	(۹) استان هشتم (کرمان) : ۵ فرمانداری، ۱۴ بخشدار؛ مرکزش کرمان
بوشهر، دشتی و دشتستان.	(۱۹) فرمانداری کل بنادر و جزایر خلیج فارس : ۲ فرمانداری، ۱۰ بخشدار؛ مرکزش بوشهر		

یافت شده، و حجاریهایی که بر سنگهای جنوب غرب ایران به دست آمده، به تفاوت متعلق به ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ پیش از میلاد است. در تمام این آثار اصالت هنر ایرانی کاملاً آشکار است.

در عصر شاهان هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ پیش از میلاد)، بابلیان، لیدیاییان، مصریان، و اقوام دیگری که مقهور کوروش بزرگ و جانشینان وی شده بودند، در ایجاد فرهنگ و هنری بر پایه بزرگداشت شاهان ایران، ایرانیان را یاری کردند. پایه‌های کاخ کوروش در پازارگاد، و کاخ اردشیر اول در شوش، و نیز بقایای کاخهای داریوش اول و خشایارشا در تخت جمشید، همه نمودار بناهایی است که به رسم دیرین ایرانیان دارای تالارهای عظیم پرستون است که در برابر آنها ایوانهای ستوندار قرار داشته است. در تخت جمشید پلکانهای شاهوار کاخ آپادانا همچنان بر جا هستند و مسافران راه شیراز به اصفهان از کنار آنها می‌گذرند. تأثیر سبکهای معماری مصری، یونانی، و آشوری در این کاخها آسان دیده می‌شود. اما شیوه کلی معماری شیوه خاص ایرانی است، و از تماشای آنها احساس وسعت فضا و سکونی در بیننده پدید می‌آید. بناهای بعد از اسلام (نظیر مسجد شاه اصفهان) نیز به شکلی دیگر همین احساس را پدید می‌آورند.

اشیا و پیکره‌های فلزی، خصوصاً زیورهای طلا و نقره، که از خاک بیرون آمده‌اند، نشانه رونق فلزکاری در اعصار قدیم است. بر بعضی از این اشیا شیوه کار صنعتگران یونانی به چشم می‌خورد. پس از حمله اسکندر مقدونی، تأمدت پنج قرن، آثاری پدید آمد که معدودی از آنها به جا مانده و تأثیر

این جام نقره طلاکاری که شاپور دوم را در شکار شیر نشان می‌دهد نمونه فلزکاری ساسانی است



ایران، هنر و معماری از آغاز تاریخ ایران، بر اثر مهاجرت اقوام متعدد و فتوحات جهانگشایان ایرانی و فرمانروایی متناوب بیگانگان، شیوه‌های گوناگون هنری در این سرزمین وارد شده است، و ضمن در آمیختن باسنهای دیرین بومی، نه تنها از اصالت آنها نکاسته، بلکه به آنها نیرو بخشیده و موجب تکامل و ارزش جهانی آنها شده است.

ظروف و پیکره‌های سفالینی که از خرابه‌های شوش به دست آمده، پیکره‌ها و اشیا برونزی که در لرستان





نابلی مرقع برجسته: چوب صناعی و صدف و عاج

قدمت هنر نقاشی در ایران است. مانی نقاش، که با نقاشی-های خود شهرت افسانه‌ای یافته بود، هنر نقاشی را به‌عنوان جزئی از مذهب خود تبلیغ می‌کرد. در این عهد برجسته-کاری بر ظروف طلا و نقره رواج یافت؛ صحنه‌های شکار، تصاویر جانوران و نیز نقش سیمرغ بر ظروف عهد ساسانی فراوان بود.

پس از حمله اعراب، هنر و فرهنگ ایران به تدریج با هنر و فرهنگ اسلامی در آمیخت و به شکل تازه‌ای جلوه‌گر شد. از نخستین هنرهای اسلامی در ایران نمونه‌های معدودی به جا مانده است. مهمترین این آثار سفالهای ظریفی است که با نقشهای جانوران و تصاویر غیر واقعی آدمیان زینت یافته است. هنر کتابسازی و خطنویسی در کشورهای اسلامی پیش از عهد عباسیان آغاز شده بود. بر اثر علاقه و تشویق خلفای بغداد، این هنر رو به ترقی نهاد. کتابسازان و خوشنویسان ایران در این ترقی سهمی بزرگ داشتند. تأثیر ایرانیان در هنر نقاشی و تذهیب بیشتر بود. بر دیوارهای کاخهای سامرا نقاشی‌هایی به‌دست آمده است که تصاویر رقصه‌ها، شکارچیان، جانوران و گل‌های آنها را نمونه‌های عهد ساسانی می‌دانند. با رواج کاغذ به جای پوست آهو، کار کتابسازان آسانتر شد، و از آنجا که اسلام کشیدن تصویر انسان و حیوان را منع کرده بود، بسیاری از نقاشان به کار تزیین و تذهیب کتاب پرداختند، و همین موجب شد که این هنر از نقاشی و خوشنویسی جدا

هنرهای یونانی و مایه‌های رومی در آنها نمودار است. در عهد ساسانیان (۲۲۶-۶۴۰ بعد از میلاد) هنرهای بومی ایرانی دوباره جان گرفت. بقایای کاخهای تیسفون و فیروزآباد نمودار بناهای عظیمی است که از آجر و سنگ ساخته شده بوده است. معماران عهد ساسانی، با به کار بردن طرق جدید (از قبیل طاق ضربی) توانستند ساختن گنبدهای عظیم را که تا آن زمان مقدور نبود، امکانپذیر سازند؛ و همین تحول مهمی در کار معماری پدید آورد. نقشهای برجسته حجری‌های نقش رستم و طاق بستان نمودار شیوه مستقل پیکرتراشی است. از نقاشیهای آن زمان آثار اندکی به جا مانده است، اما همین آثار نمودار



شود و هنر خاصی به شمار رود.

در قرنهای یازدهم و دوازدهم بعد از میلاد تماس با چین هنرهای ایران را شکفته‌تر کرد. ظرافت طرح و کار سفالهای معروف ری و پارچه‌های ایرانی افزایش یافت. معماران شاهکارهای بزرگ پدید آوردند و مقرنسکاری، گچبری، و کتیبه‌سازی رو به تکامل نهاد. مسجد جامع اصفهان، که از شاهکارهای معماری جهان است، نمونه‌ای است از معماری این دوره. هجوم مغول نه تنها آسیبی به هنرهای ایران وارد نکرد، بلکه با بسط روابط ایران و چین برخی از صنعتگران چینی به ایران آمدند و رهاورد آنان سنتهای هنری چین بود. هنرمندان ایرانی این رهاورد را با میراث گذشته خود پیوند دادند. به کار بردن مایه‌های هنر چین در سفالگری و تزیین بناها رواج یافت. هنر مصور ساختن کتاب رواج پیدا کرد. نقاشان ایرانی با موضوعهای تازه آشنا شدند و افق دید هنری آنان وسعت یافت. تلاشهایی که در این دوره در کار نقاشی و میناتور-سازی به کار رفت، راه را برای نهضت بزرگ هنری عصر تیموریان باز کرد. در این عصر میناتور کلاسیک ایران پدید آمد. از این هنر بیشتر برای مصور کردن کتابهایی مانند شاهنامه فردوسی و داستانهایی مانند خسرو و شیرین نظامی سود می‌جستند. بزرگترین استاد این هنر بهزاد، نقاش هراتی است. مسجد کبود تبریز و آستانه قدس مشهد نیز نمودار رونق معماری عصر تیموریان است.

در عهد صفوی، به خصوص در دوران سلطنت شاه‌عباس اول صفوی، هنر معماری ایران بیش از پیش توسعه یافت. اصفهان مرکز اصلی هنر ایران شد. میدان شاه، مسجد شاه، مسجد شیخ لطف‌الله، عالی قاپو، و بناهای مهم دیگر ساخته شد. میرعماد و علیرضا عباسی در کار خوشنویسی پیشرفت‌های تازه کردند. کارگاههای بزرگ قالی‌بافی در کرمان، شوشتر، هرات، همدان، تبریز، کاشان بر پا شد. با پایان عهد صفوی انحطاط هنر ایران تقریباً در همه رشته‌ها آغاز شد. این بار، برخلاف دوره‌های گذشته، سبکهای اروپایی نه تنها نیرویی به هنرهای قدیم ایران نبخشیدند، بلکه بر اثر نادانی و سوداگری صنعتگرانی که جانشین هنرمندان اصیل قدیم شده بودند، هر آنچه بود نیز رو به پستی نهاد.



زری: ابریشم طبیعی و گلابتون اصل



میناتور ایرانی

مخمل و زری برجسته



همان کار او را هنوز دنبال می کنند. در زمان احمد شاه قاجار نمایندگان شرکت های خارجی به ایران آمدند و قالیبافان ایرانی را به بافتن قالیهایی گماشتند که نقشه های بازاری آنها را از کشورهای خود آورده بودند. در نتیجه هنر قالیبافی نیز به صنعتی بازاری تبدیل شد.

در اوایل سلطنت رضا شاه کبیر، برای احیای هنرهای ملی ایران کوششهایی شد. مؤسسه قالی ایران به وجود آمد. مسابقه های هنری برپا شد. به برخی از استادان مینیاتورسازی، خاتمسازی، قلمزنی، منبتکاری، و زریبافی، که هر یک در شهری سرگرم ساختن کارهای بازاری بود، تأمین مالی داده شد تا توانایی خود را برای احیای هنرهای اصیل ملی به کار بندند. بعضی از آثار هنرمندان این دوره در نمایشگاه های بین المللی به تماشا گذاشته شده است. (رجوع شود به تذهیب؛ ترصیع؛ خاتمسازی.)

ایران باستان، موزه در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی موزه ای به نام موزه معارف در دارالفنون تأسیس شد. پس از تصویب قانون حفظ آثار ملی، در ۱۲ آبان ۱۳۰۹، که دولت را موظف به حفظ آثار ملی و نظارت در آنها می کرد، و بر اثر انجام شدن حفاری های مختلف، آثار عتیقه فراوان فراهم شد، و در ۱۳۱۴ موزه ایران باستان تأسیس شد. در این موزه آثار فراوان از تمدن ایران از حدود ۴۰۰۰ پیش از میلاد تا قرن سیزدهم هجری قمری موجود است.



کمال الملک

در زمان فتحعلی شاه قاجار، بعضی از مینیاتورسازان ایرانی، به گمان پیروی از «سبک اروپایی»، شبیه هایی از او و بزرگان و شاهزادگان ساختند. این کار در زمان محمد شاه قاجار و پس از او ادامه یافت و حاصل آن شیوه ای عامیانه بود که «سبک طبیعی سازی قاجار» نامیده می شود. نمونه های این سبک را بر روی قلمدانها، بر دیوار بعضی از ساختمان های سلطنتی و شخصی، و نیز بر بسیاری از کتاب های آن زمان می توان یافت. در زمان ناصرالدین شاه، کمال الملک که به یاری امیر کبیر در فرانسه و ایتالیا نقاشی آموخته بود، «طبیعت سازی با رنگ و روغن» را در ایران پایه گذاری کرد. پس از چندی مدرسه صنایع مستظرفه را به وجود آورد؛ شاگردانی تربیت کرد که بعضی از آنان

موزه ایران باستان

